

ارائه مدل راهبردهای آموزشی مؤثر بر مدل کسب و کار انرژی‌های تجدیدپذیر با رویکرد اسلامی - ایرانی (با بررسی اسناد بالادستی و قوانین کشور ایران) مصطفی غفاری ساروی، رضا انصاری بارده^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۳

چکیده:

هدف پژوهش حاضر عبارت است از ارائه مدل راهبردهای آموزشی مؤثر بر مدل کسب و کار انرژی‌های تجدیدپذیر با رویکرد اسلامی - ایرانی (با بررسی اسناد بالادستی و قوانین کشور ایران). روش پژوهش کمی و تعداد نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۳۷ نفر از انتخاب شد. ابزار تحقیق عبارت بود از پرسشنامه محقق ساخته. تجزیه و تحلیل داده‌های جمع آوری شده، به دو روش توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم افزارهای *SPSS 16* و *Smart PLS* انجام شد. نتایج نشان داد چهارده مؤلفه در تبیین مدل ارائه مدل راهبردهای آموزشی مؤثر بر مدل کسب و کار انرژی‌های تجدیدپذیر با رویکرد اسلامی - ایرانی (با بررسی اسناد بالادستی و قوانین کشور ایران) نقش دارند که عبارتند از: شرکای کلیدی، فعالیت‌های کلیدی، جریان درآمد، منابع کلیدی - فیزیکی، منابع کلیدی - فکری، منابع کلیدی - منابع انسانی، ارزش - نام تجاری، ارزش - حرکت در لبه علم و فناوری، ارزش - قیمت، ارزش - تحویل به موقع و دسترسی آسان، روابط با مشتری، بخش مشتری، کانال‌های توزیع، و در نهایت هزینه‌ها و ساختار آن.

واژگان اصلی: راهبردهای آموزشی، مدل کسب و کار، انرژی‌های تجدیدپذیر.

مقدمه و بیان مسئله

جامعه ایران از دوره صفویه و به‌طور خاص‌تری از هنگام جنگ‌های ایران و روس به این‌سو در اندیشه توسعه و ترقی بوده و در هر دوره یک ایده یا الگو مسیر توسعه کشور را در قالب نظام حکمرانی ریل‌گذاری کرده است. گاهی توسعه با شیوه تقلیدی از تجربه غرب ترسیم شده و گاهی - به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی - رویکردهای استقلال‌خواهانه و تمایزجویانه بر آن حاکم بوده است. جمهوری اسلامی طی چهار دهه اخیر به دنبال دست یافتن به الگویی مطلوب از حکمرانی متناسب با آرمان‌های خود و شرایط کشور بوده که در سال‌های اخیر در سپهر عمومی ایران، با عنوان «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» صورت‌بندی شده است. اما با وجود تجربه دو قرن تلاش برای دست یافتن به توسعه و دو دهه تلاش متمرکز و مستمر برای دست یافتن به الگویی بومی از حکمرانی کارآمد بومی، همچنان نتوانسته است الگوی عملیاتی قابل قبولی برای ایران به ارمغان آورد. این پژوهش به دنبال بررسی چرایی این مسئله و ارائه راهکاری برای گذر از آن بر پایه خوانشی از آرای آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی است.

دست یافتن به الگوی مطلوب حکمرانی عامل تسهیل‌کننده و سرعت‌بخش به پیشرفت کشور، مدیریت بهتر منابع و نیز رفع مشکلات مردم در رابطه با نظام حکمرانی است؛ و چه بسا بسیاری از رویکردهای ناکارآمد با دگرگونی در الگوی حکمرانی اصلاح شده و کشور را در مسیر پیشرفت، پیش بیندازد. سیاست‌گذاری در کشور اگر طبق الگوی کلان پیشرفت نباشد و یا مطابق با الگوهای ناکارآمد باشد، منجر به هدر رفتن منابع مادی و معنوی کشور می‌گردد. لذا لازم است تا با پرداختن به الگویی بهینه و کارآمد و ترسیم مسیرهای دست‌یابی به آن، از آسیب‌های تصمیم‌سازی‌های کلان اشتباه برای آینده جلوگیری شود.

- اهداف و سؤالات پژوهش

پس هدف این پژوهش ارائه خوانشی جدید از الگوی حکمرانی کارآمد است که در پاسخ به سؤالات اصلی و فرعی پژوهش بیان می‌شود. این خوانش جدید بسترساز برنامه‌ریزی هدفمند در حوزه‌های حکمرانی و سیاست‌گذاری داخلی و خارجی خواهد بود. پرسش اصلی پژوهش آن است که؛ مؤلفه‌ها و مراحل الگوی حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران برای پیشرفت چیست؟ و پاسخ را بر پایه خوانشی از دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای پی می‌جوید. ^۱پرسش‌های فرعی پژوهش

نیز عبارتند از: الگوی حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران چه سیر تکاملی را طی کرده است؟ مشخصه‌های هر یک از مراحل دستیابی به الگوی مطلوب پیشرفت چیست؟ راهکارهای عملیاتی شدن آن کدامند؟

این پژوهش فرضیه‌آزمای نیست اما مفروض نگارندگان آن است که می‌توان با استفاده از منابع نظری اسلامی و ایرانی، الگویی نو و کارآمد برای حکمرانی ترسیم کرد که تأمین‌کننده و تضمین‌کننده پیشرفت کشور باشد.

- پیشینه پژوهش

نمونه آثار پژوهشگران ایرانی در مورد مسأله توسعه: خواجه‌سروی و رسولی (۱۳۹۸) در مقاله‌ی «مقایسه نقش ثبات سیاسی در الگوی توسعه مالزی و ترکیه با الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» این سه کشور را به لحاظ فرهنگ اسلامی دارای شباهت می‌دانند. در این میان، ایران برای توسعه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را طراحی کرد، در حالی که آن دو کشور تلاش کردند تا الگوی توسعه خود را با الگوهای غربی پیوند بزنند. ایشان در این پژوهش به ارزیابی الگوی توسعه سه کشور پرداخته و در نهایت بیان می‌کنند که بهترین الگو برای هر کشور، الگوی برآمده از فرهنگ بومی و الهام‌گرفته از تجارب موفق دیگر کشورها است. آهنی، موسی‌خانی و افشارکاظمی (۱۳۹۷) در مقاله «آینده‌پژوهی حکمرانی خوب در ایران با رویکرد سناریونویسی»، معتقدند مسیر توسعه کشورها از حکمرانی خوب سرچشمه می‌گیرد. آنها به طرح برخی دیدگاه‌ها درباره آینده حکمرانی خوب در ایران می‌پردازند و سناریوهای مطرح در زمینه توسعه ایران را بررسی می‌کنند. حاکمیت قانون و کنترل فساد دو شاخصه مهم در توسعه کشور بر پایه یافته‌های آنهاست. دوله، سیف‌الهی و زنجانی (۱۳۹۸) در مقاله «مطالعه زمینه‌ها و موانع شکل‌گیری حکمرانی خوب در ایران معاصر»، معتقدند که حکمرانی خوب از تعامل سه بخش خصوصی، مدنی و دولت شکل می‌گیرد. آنها جامعه مدنی پایدار و دولت شهروندمدار را زمینه‌ی دستیابی به توسعه پایدار می‌دانند. همچنین آزادی‌های سیاسی و تقسیم قدرت را از جمله لوازم دستیابی به حکمرانی خوب و رعایت حقوق شهروندی و قانونمداری را لازمه توسعه پایدار در ایران می‌دانند.

نمونه آثار غربی در مورد الگوهای بهبود کارآمدی و پیشرفت کشورها: در سال‌های اخیر آثار فراوانی به زبان فارسی تألیف یا به این زبان ترجمه شده‌اند که راه و چاه توسعه را باز می‌نمایانند یا

تجربه شکست یا پیروزی کشورها در مسیر توسعه را در اختیار ما می‌گذارند. برای نمونه کتاب «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند» (۱۳۹۸) نوشته دارون عجم‌اغلو و جیمز رابینسون و کتاب «راه باریک آزادی» (۱۳۹۹) از همین نویسندگان. همچنین آثار دیگری در دسترس هستند که راهبردی‌های نوین برای حل مسائل توسعه کشورها ارائه می‌دهند؛ برای نمونه «توسعه به مثابه توانمندسازی حکومت؛ شواهد، تحلیل، عمل» نوشته مت اندروز و همکارانش (۱۳۹۹) یا کتاب «کیفیت حکومت؛ فساد، اعتماد و نابرابری اجتماعی در چشم‌اندازی بین‌المللی» (۱۴۰۰) نوشته بو روتشتاین؛ همچنین «قدرت نوآوری اجتماعی» اثر استفان گلداسمیت (۱۳۹۵) که شراکت بخش دولتی و بخش خصوصی بر پایه تقویت کارآفرینان مدنی را راهگشای پیشرفت حتی در کشورهایی مانند ایالات متحده می‌داند. ویژگی مشترک این کتاب‌ها آن است که نیم‌نگاهی به تجربه کشورهای غیرغربی کامیاب یا ورشکسته در زمینه توسعه دارند و نیز دولت را بازیگر کلیدی در پیشرفت کشورها می‌دانند.

نمونه آثار صاحب‌نظران غربی درباره مسأله تعمیم الگوی توسعه: در حالی که تحقیقات معرفی شده تا اینجا اغلب الگوی توسعه غربی و نسخه‌های برآمده از آن را گفته یا ناگفته، سنجه ارزیابی خود گرفته‌اند، آثار زیادی از منظر جریان انتقادی وجود دارند که این «غرب‌مداری» را شالوده‌شکنی کرده یا با بدبینی به آن نگاه می‌کنند. مثلاً هاجون چنگ دیدگاه متفاوتی در زمینه تاریخ اقتصاد سیاسی جهان داشته و به نبرد با روایت رایج از توسعه کشورها در مسیر «تجارت خارجی آزاد» و «رشد سرمایه‌دارانه» می‌پردازد. او کشورهای غربی را به نیکوکاران نابه‌کاری تشبیه می‌کند که فریبکارانه نسخه واقعی توسعه خود را پنهان کرده و برای توسعه دیگر کشورها نسخه‌هایی مغشوش اما جذاب می‌پیچند. (نگ کنید به: هاجون چنگ، ۱۳۹۹) جفری هینز (۱۳۹۰) نیز در کتاب مطالعات توسعه به بیان نظریات توسعه در قرن بیستم پرداخته است. وی معتقد است سیاست‌های دولت‌های غربی در قبال توسعه کشورهای جنوب، از آن نوع سیاست‌هایی نبود که این دولت‌ها در جریان تکامل و خیز تاریخی خودشان در پیش گرفتند؛ از این رو، اتهام تزویر متوجه آنهاست.

نمونه آثار درباره دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای به الگوی پیشرفت: در این زمینه، گذشته از آثاری که به شکل مکتوب صرفاً به گردآوری و دسته‌بندی آرای رهبر انقلاب اسلامی بسنده کرده‌اند، برخی مقالات علمی نیز به چشم می‌خورد. شعیب بهمن (۱۳۹۷) در مقاله «الگوی اسلامی ایران پیشرفت از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای» تنها به ضرورت و شاخص‌های تدوین این الگو به عنوان سندی بومی و فرادستی برای توسعه کشور در اندیشه ایشان پرداخته است. همچنین قاضی

میرسعید و تاج‌آبادی در مقاله خود با عنوان «مفهوم توسعه و پیشرفت در اندیشه مقام معظم رهبری» با استفاده از روش تحلیل مضمون به سراغ سخنان آیت‌الله خامنه‌ای در فاصله سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۴ رفته به شبکه مضامین سه‌گانه‌ای درباره مفهوم پیشرفت در منظر ایشان رسیده‌اند که عبارت است از: قدرت درون‌زا، اقتصاد دانشی عدالت‌محور و اسلامی بودن پیشرفت. چنین پژوهش‌هایی برخلاف نوشتار کنونی، اغلب به معنانشناسی پیشرفت و مقومات مفهومی آن یا ضرورت الگوی پیشرفت بومی بسنده کرده‌اند. این در حالی است که مسأله این تحقیق مؤلفه‌ها و مراحل چنین الگویی از منظر حکمرانی کارآمد است.

- چارچوب مفهومی و نظری پژوهش

الگوی حکمرانی: مفهوم حکمرانی بر اعمال قدرت در عرصه‌های نهادی دلالت دارد که برای هدایت، کنترل و تنظیم فعالیت‌ها در جهت منافع جامعه عمل می‌کند (زهیری، ۱۳۹۴: ۹۲). در بررسی مسئله حکمرانی، سه اصطلاح پاسخگویی، مشروعیت و شفافیت مورد توجه قرار می‌گیرد (پورعزت، ۱۳۸۷: ۱۸). برای فهم بهتر مقوله و مفهوم حکمرانی، باید آن را از مفاهیم و مقولاتی همچون نظریه سیاسی و نظام سیاسی، تمایز داد. می‌توان تصور کرد که بر اساس یک نظریه سیاسی، نظام‌های سیاسی مختلفی شکل گیرد. همچنین بر پایه یک نظریه سیاسی و در قالب نظام‌های سیاسی مختلف، الگوهای متنوعی از حکمرانی قابل تعریف می‌باشد. البته سازگاری الگوی حکمرانی با نظریه و نظام سیاسی، خود یک امر خطیر است. یعنی از دل هر نظریه و نظام سیاسی‌ای، هر الگوی حکمرانی قابل استخراج نیست. در واقع می‌توان حکمرانی را عملیاتی‌ترین سطح نظریه سیاسی برشمرد. بررسی نگارندگان این مقاله نشان می‌دهد در ادبیات سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای معنای الگوی حکمرانی غالباً با واژه «الگوی پیشرفت» ذیل نظریه مردم‌سالاری دینی و نظام جمهوری اسلامی ایران مفهوم‌سازی شده است.

کارآمدی: مفهوم کارآمدی در سه حوزه مدیریت، اقتصاد و سیاست پرکاربرد است اما در این پژوهش از مفهوم سیاسی کارآمدی بحث می‌شود. کارایی، اثربخشی و کارآمدی مفاهیمی هستند که هر سه به نتیجه‌بخش بودن اقدام یا فعلی مورد تأکید از سوی نظام سیاسی در مقام تدبیر امور اشاره دارند. از این دید، نظام کارآمد نظامی است که قدرت حل مشکل امنیت و معیشت جامعه را داشته باشد و بتواند جامعه را به سوی کمال علمی و عملی‌اش حرکت دهد (رودگر، ۱۳۸۶: ۴۴). از سوی

دیگر، کارآمدی را می‌توان به عنوان مهم‌ترین سنجه حکمرانی خوب برشمرد و آن را چارچوب شناخت همه چیزهایی دانست که حکومت از طریق آن ارزش‌های یک جامعه را به مرحله عمل می‌رساند. آزادی و عدالت ارزش‌های والایی هستند اما در عرصه کشورداری بدون وجود کارآمدی و ترجمه به چنین زبانی، معنادار و موثر نیستند و حتی ممکن است تبدیل به شعارهایی تُهی شوند و اثر معکوس بر جامعه داشته باشند. در واقع کارآمدی در عرصه حکمرانی، دارای «ارزش کانونی» است. در نگاه به جایگاه کارآمدی باید توجه داشت که حکومت‌ها در بدو امر، مقادیری از «مشروعیت تاسیسی» دارند که به مبانی نظری و شرایط تحقق آنها بستگی دارد. اما ادامه حیات یک نظام سیاسی وابسته به «مشروعیت استمراری» آن است که در گرو تامین رضایت عمومی به وسیله کارآمدی در حکمرانی است. اگر حکومت‌ها در این بخش موفق نشوند، بخش نخست نیز که همان مشروعیت تاسیسی است به چالش کشیده شده و یا دچار فرسایش و نابودی می‌شود.

روش پژوهش

گردآوری داده‌ها در این پژوهش با استفاده از روش اسنادی - کتابخانه‌ای صورت گرفته و روش پردازش داده‌ها نیز با استفاده از تحلیل مضمون است. در پژوهش‌هایی که به تولید نظریه یا ادبیات جدید می‌پردازند روش توصیفی - تحلیلی، روشی مناسب برای پردازش و ارائه یافته‌های پژوهش است. این روش به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا با ارائه تحلیل و تبیین خود با رویکردی متفاوت، دستاوردهای جستار خویش را ارائه دهد. یکی از مسیرها برای دستیابی به نکات مهم، فهم الگوهای تکرار شونده است (سیدامامی، ۱۳۹۰: ۶۳۳). روش تحلیل مضمون با استفاده از این الگوها به مقولاتی دست پیدا می‌کند که در برگیرنده محتوای کلی تحلیل هستند. فرایند دست یافتن به تحلیل به این شکل است که ابتدا فیش‌های مرتبط به دست می‌آید، با پالایش فیش‌ها مدارک که همان فیش-های مرتبط هستند استخراج می‌گردند. مدارک مورد بررسی قرار می‌گیرند و مضامین کلی آنها استخراج می‌گردد. سپس پژوهشگر با بررسی مفاهیم مرتبط به مقولات کلان دست پیدا می‌کند.



شکل ۱. سیر حرکت از مدارک به مقولات در روش تحلیل مضمون

از سوی دیگر، مضامین به دست آمده در دو سطح مضامین مصرح و مضامین استنباطی و در سه رده مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر، در کنار هم شبکه مضامین را تشکیل می‌دهند. (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۷۰) در این پژوهش با توجه به هدف و پرسش اصلی، ما تنها به ذکر مضامین فراگیر بسنده می‌کنیم.

سیر تاریخی ایده الگوی حکمرانی در ایران بعد از انقلاب اسلامی

از اواسط دهه ۱۳۸۰ شمسی رهبر انقلاب با نقدهایی به الگوی توسعه غربی، ضرورت داشتن یک الگوی اسلامی - ایرانی را برای حکمرانی طرح کرد. ایشان ایده خود را به‌طور مستمر با دانشجویان و اساتید دانشگاه‌ها مطرح نموده^{۱۱} و به تدریج واژه «پیشرفت» را به عنوان جایگزین «توسعه» به کار برد تا تجدیدنظر یا تمایز منظر جمهوری اسلامی ایران نسبت به توسعه را نشان دهد. به این ترتیب، آیت‌الله خامنه‌ای در مجامع و مراکز علمی به تدریج مسأله مدنظر خود را بسط داده و در اواخر دهه ۱۳۸۰ در میان جمعی از نخبگان که برای هم‌اندیشی در مسائل کلان‌نظری کشور تحت عنوان «نشست اندیشه‌های راهبردی» گرد آمده بودند، بار دیگر ایده الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را مطرح نمود و خواستار یک «نقشه جامع» برای پیشرفت کشور شد که بر اساس منابع و مبانی معارف اسلامی و به دست متفکران ایرانی با توجه به شرایط بومی و اقلیمی کشور ساخته و پرداخته شده باشد.

«بدون نقشه‌ی جامع، دچار سردرگمی خواهیم شد؛ همچنان‌که در طول این سی سال، به حرکت‌های هفت و هشتی، بی‌هدف و زیگزاگ مبتلا بودیم و به این در و آن در زدیم. گاهی یک حرکتی را انجام دادیم، بعد گاهی ضد آن حرکت و متناقض با آن را - هم در زمینه‌ی فرهنگ، هم در زمینه‌ی اقتصاد و در زمینه‌های گوناگون - انجام دادیم! این به‌خاطر این است که یک نقشه‌ی جامع وجود نداشته است. این الگو، نقشه‌ی جامع است؛ به ما می‌گوید که به کدام طرف، به کدام سمت، برای کدام هدف داریم حرکت می‌کنیم. طبعاً وضعیت مطلوب باید تصویر شود و چگونگی رسیدن از وضع موجود به آن وضع مطلوب هم بایستی بیان شود. یقیناً سؤالات زیادی مطرح خواهد شد؛ این سؤالات بایستی دانسته شود... این حرکت بایست در مجموعه‌ی نخبگانی ما به وجود بیاید. سؤال‌ها مطرح شود، به این سؤال‌ها پاسخ داده شود؛ این حرکت طولانی‌مدت است.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۹)

آسیب‌شناسی صورت گرفته توسط ایشان در زمینه الگوی پیشرفت نشان می‌دهد که پیشرفت نارسا و نابسند کشور پس از انقلاب اسلامی، گذشته از عدم التزام به مبانی اسلامی و انقلابی از سوی برخی مسئولان کشور، بیشتر معلول عوامل تعیین‌کننده دیگری از جمله نداشتن یک نقشه راه جامع، تقلید خواسته یا ناخواسته از مدل توسعه غربی و مدیریت کلان کشور به شکل زیگزازی میان الگوهای چپ و راست مدرن است. در ایران از الگوهای زیادی برای توسعه استفاده شده است، اما به دلیل پیچیده بودن و چند بعدی بودن مفهوم توسعه و مطابقت نداشتن این الگوها با نیازها و مقتضیات بومی کشور، مجموعاً نتوانسته موفقیت زیادی به دست آورد (قاضی میرسعید و تاج‌آبادی، ۱۳۹۵: ۱۴۹).

پس از آن، در ابتدای دهه ۱۳۹۰ آیت‌الله خامنه‌ای مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را تأسیس و رئیس و اعضای آن را خود منصوب نمود تا عزم جدی برای دستیابی به این الگو و استفاده از همه ظرفیت‌ها برای آن را نهادمند کند و زمینه را برای سه کارویژه فراهم آورد: «تدوین الگو»، «توسعه گفتمان» و «تولید علم» در راستای تحقق الگو (خامنه‌ای، ۱۳۹۰). پنج سال بعد نیز اعضای شورای عالی این مرکز با رهبر انقلاب دیدار و تبادل نظر کردند. سپس، هنگامی که سند الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت در افقی ۵۰ ساله از سوی این مرکز آماده شد، رهبری نهادهای حاکمیتی مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس شورای اسلامی، دولت، شوراهای عالی امنیت ملی، انقلاب فرهنگی و فضای مجازی را در کنار دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه برای ارتقا و تکمیل آن فراخواندند تا ظرف دو سال نسخه نهایی آن آماده ابلاغ و اجرا شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

در زمان نگارش این نوشتار که چندین سال از زمان آن فراخوان می‌گذرد، همچنان اثری از سند نهایی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نیست. گذشته از آنکه برخی نخبگان اساساً «سندنگاری» الگوی پیشرفت و تعیین بازه زمانی ۵۰ ساله برای آن را مطلوب نمی‌دانند، نقدهای متنی و فرامتنی فراوانی نیز بر آن وارد کرده‌اند. یکی از نقدهای مطرح شده، عدم تمایز سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت با سیاست‌های کلی نظام است. این دسته از منتقدان معتقدند که سند الگو باید در سطحی راهبردی، کلان و حتی نظری بر فرآیند توسعه تمرکز کند و نباید نوع رویکرد نسبت به آن، همانند اسناد بالادستی دیگر همچون سیاست‌های کلی نظام باشد. سیاست‌های کلی نظام به معنای بایدها و نبایدهای کلی برای تحقق آرمان‌هاست اما سند الگو به دنبال تبیین مبانی، آرمان‌ها و وظایف جمهوری اسلامی برای تحقق پیشرفت است (طلائی، ۱۳۹۹: ۳۷۹).

در مورد ایران سال‌های پایانی قرن چهاردهم شمسی، برخی کارشناسان مسائل کلان سایه‌انداخته بر شرایط کشور همچون تشدید تحریم‌های آمریکا و غرب یا همه‌گیری کرونا یا اقبال و ادبار مردم و نخبگان که به‌ویژه در فرصت‌های انتخاباتی جلوه می‌کند را مستقیم و غیرمستقیم در این زمینه موثر می‌دانند. بدیهی است که جمهوری اسلامی نه می‌خواهد و نه می‌تواند از تجربه توسعه در دیگر کشورها چشم‌پوشد؛ و این نکته‌ای است که حتی در بیان و قلم آیت‌الله خامنه‌ای نیز بارها تکرار شده است. ایشان در فراخوانی که برای تکمیل الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت صادر شد، به این مهم پرداخته است که «اینکه ما می‌گوییم ایرانی یا اسلامی، مطلقاً به این معنا نیست که ما از دستاوردهای دیگران استفاده نخواهیم کرد؛ نه، ما برای به دست آوردن علم، هیچ محدودیتی برای خودمان قائل نیستیم. هر جایی که علم وجود دارد، معرفت درست وجود دارد، تجربه‌ی صحیح وجود دارد، به سراغ آن خواهیم رفت؛ منتها چشم‌بسته و کورکورانه چیزی را از جایی نخواهیم گرفت» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

در عین حال، نمی‌توان مبانی فکری الگوی توسعه و نسخه‌های توسعه‌محور از الگوی حکمرانی کشورهای غربی و نهادهای جهانی را به‌طور کامل و با اعتماد عمیق، پذیرفته و به‌کار بست. بنابراین باید با فراتر رفتن از آسیب‌شناسی‌ها و نسخه‌پیچی‌های دیگران، به شناخت آفت‌ها و پویایی‌هایی پرداخت که کشور را در تنگنای پیشرفت نگه داشته است. از این رو، نویسندگان این مقاله بدون رد کردن نقش و سهم عواملی که در پژوهش‌ها و جستارهای مربوط به علل توسعه‌نیافتگی یا ناکامی کشورها در توسعه به‌ویژه در مورد ایران پرداخته‌اند، بر پایه دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی به دنبال پاسخی درخور برای این پرسش هستند: برای رسیدن به سطح مطلوبی از پیشرفت که هم از منظر شاخص‌های مشترک توسعه‌یافتگی پذیرفته باشد و هم گامی فراتر گذارد و مزیت‌های حکمرانی ایرانی - اسلامی را بازنماید، چه باید کرد؟ برای پاسخ به این پرسش، نیازمند است که الگوی حکمرانی، پویایی‌شناسی شود؛ زیرا «هیچ راهی نیست که بدانیم چگونه می‌توان سبب شد یک چیزی بهتر کار کند، مگر اینکه در ابتدا بدانیم که اصلاً آن چیز چگونه خوب کار می‌کند.» (گلداسمیت، ۱۳۹۵: ۲۱)

- پویایی‌شناسی الگوی حکمرانی

همه کشورهای پیشرفته امروزی طی فرایندی بلندمدت توانسته‌اند به توسعه پایدار بر مبنای الگوی سرمایه‌داری صنعتی دست یابند. البته برخی از کشورها نیز در فرایندی کوتاه‌مدت‌تر به این

مهم دست یافته‌اند، اما آنچه توانسته توسعه‌ای همه‌جانبه را برای این کشورها به ارمغان بیاورد، حاصل فرایندی بلندمدت بوده که به باور برخی شروع آن از عصر روشنگری و انقلاب صنعتی بوده است. آنچه می‌توان به عنوان مؤلفه توسعه پایدار قلمداد کرد، فرایند گام‌به‌گام دستیابی به توسعه است. اگر این سیر تحقق تاریخی را منطقی بدانیم، برای دست یافتن به الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت نیز آنچه مورد نیاز است گام به گام بودن فرایند پیشرفت است. نگارندگان بر این باورند که مسیر پیشرفت نیازمند طی گام‌هایی است که باید به صورت مرحله‌ای انجام پذیرند تا در نهایت آنچه از یک کشور اسلامی پیشرفته در همه ابعاد مادی و معنوی انتظار داریم، محقق شود. به این ترتیب، گام‌های سه‌گانه زیر سازنده الگوی حکمرانی ایران خواهند بود.

۱. پیشرفت در نیازها و با سنج‌های مشترک انسانی

همه انسان‌ها از آن جهت که انسان هستند، ناگزیر از تأمین نیازهای اولیه‌ای هستند که بدون آنها زیست انسانی‌شان دچار اختلال می‌شود؛ یعنی خوراک، پوشاک، سرپناه. ویژگی اصلی این نیازها فرازمانی و فرامکانی بودن آنهاست؛ یعنی همه انسان‌ها در هر زمانه و زمینه‌ای نیازمند تأمین آنها هستند. با این حال، هرچند اصل این نیازها در هر دوره‌ای ثابت است اما نحوه رفع آنها متأثر از شرایط هر دوره و منطقه است. البته این سه، در طول تاریخ تنها نیازهای ضروری بشر نبوده‌اند، بلکه به تدریج نیازهای ضروری دیگری نیز نمایان شدند که به سبب پیوندی که با نیازهای اولیه دارند، جزء اولیات در نظر گرفته می‌شوند. بهداشت و امنیت از این دسته نیازها هستند. انسان‌ها برای ادامه‌ی زندگی نیازمند سطحی از بهداشت هستند، چرا که اگر برای انسان فراهم نباشد، او را با اصلی‌ترین مشکل یعنی درد و رنج در جسم و ضمیرش مواجه خواهد ساخت. امنیت نیز به عنوان یکی از نیازهای پایه انسانی، بستری برای شکوفایی دیگر ظرفیت‌های انسان است. آیت‌الله خامنه‌ای اهمیت امنیت را اینگونه بیان می‌کند: «امنیت... برای زندگی مردم و یک جامعه، گاهی از نان شب واجب‌تر و مهم‌تر است. خداوند متعال در قرآن کریم در مقام ذکر نعمت‌های بزرگ خود به جامعه، می‌فرماید: «الذی اطعمهم من جوع و آمنهم من خوف»؛ یعنی گرسنگی و ناامنی در مقابل امنیت و راحتی و رفاه قرار دارد؛ اینها دو عنصر مقابل و مهمند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۳).

ایشان یکی از وظایف حاکمیت را برطرف کردن نیازهای اولیه جامعه می‌داند و در پاسخ به رویکردهایی که توجه به دغدغه‌های اولیه و معیشتی جامعه را وظیفه دولت نمی‌دانند و پرداختن به این قبیل موضوعات را ناشی از نگاه‌های غیر دینی می‌شمارند، به تبیین رویکرد خویش پرداخته

است: «عده‌ای از آن طرف درمی‌آیند که امام فرمود: انقلاب ما انقلاب نان نیست، برای نان نیست! بله؛ انقلاب اکتبر روسیه که در سال ۱۹۱۷ پیدا شد، به‌خاطر قطع شدن نان در شهرهای اصلی آن روز - مثلاً مسکو - بود... انقلاب ما این‌گونه نبود، انقلاب ما براساس یک ایمان بود؛ اما معنایش این نیست که انقلاب نباید به زندگی مردم، به اقتصاد، به نان و به رفاه مردم بپردازد. این چه حرفی است؟! امام به این مسائل می‌پرداخت و دستور می‌داد و آنچه در درجه‌ی اول، مورد نظر امام بود، عبارت بود از طبقات محروم و مستضعف» (خامنه‌ای، ۱۳۷۸).

آیت‌الله عبدالله جوادی آملی از علمای دینی معاصر نیز در تبیین نقش حکومت در برطرف کردن نیازهای اولیه و حیاتی جامعه به این نکته اشاره دارد که حکومت باید حداقل‌های زندگی مردم را تامین کند. ایشان با بیان این‌که حضرت علی(ع) با فقر مبارزه می‌کرد و می‌گفت من فقر را ریشه‌کن می‌کنم، می‌گوید: «وظیفه حاکم آن است که فقرزدایی کند، نه آنکه فقیر را کمک کند؛ چون کمک به فقیر کاری عاطفی است و از غیر رهبران الهی هم ممکن است صادر شود، اما فقرزدایی وظیفه رهبران الهی است» (جوادی آملی، ۱۴۰۰). البته در مورد چگونگی پرداختن به افراد طبقه مستضعف، ممکن است جمهوری اسلامی ایران با رویکردهای غربی اختلاف دیدگاهی هم داشته باشد. به عنوان مثال در برخی از شاخص‌ها برای تعریف محرومیت یا رفع محرومیت و یا چگونگی تامین نیازهای ضروری و یا حدود آن نیازها اختلاف دیدگاهی میان متفکران اسلامی و غربی وجود دارد. اما می‌توان گفت این اختلاف دیدگاه‌ها آنقدر زیاد نیستند که روی آنها تأکید شده و فاصله خود از رویکردهای دیگر در توسعه را به سطح حیاتی بکشانیم. از سخنان آیت‌الله خامنه‌ای چنین برمی‌آید که از دید ایشان، حکومت اسلامی برای توسعه نیازمند آماده‌سازی مقدمات ابتدایی و اولیه زندگی شهروندان است. در یک رویکرد دینی نیز جامعه‌ای که دغدغه‌اش در سطح نیازهای ابتدایی باشد توان تمرکز بر مسائل والا و ارزش‌ها را نخواهد داشت. مرتضی مطهری (۱۳۸۹) در این خصوص معتقد است که اسلام: «درباره این که معاش و زندگی از ضرورت‌های زندگی بشر است و انسان نمی‌تواند برای همیشه از آن شرایط سرپیچی کند، تأکید می‌کند. همه افراد بشر برای همیشه نمی‌توانند از این شرایط سرپیچی کنند، اگر هم یک فرد سرپیچی کند، همه افراد این‌جور نیستند. اگر هم جامعه‌ای موقتاً سرپیچی کند، برای همیشه نمی‌تواند.» «من لا معاش له، لا معاد له» یک اصل بسیار اساسی است. در اصول کافی این حدیث هست که پیغمبر اکرم می‌فرمود: «اللهم بارک لنا فی الخبز» (خدایا نان را بر ما مبارک بگردان) «لولا الخبز ما صلینا و ما

تصدقنا و لا صمنا» (اگر ما نان نداشتیم، نمی‌توانستیم نماز بخوانیم، نمی‌توانستیم روزه بگیریم، نمی‌توانستیم صدقه بدهیم).

به لحاظ اجتماعی نیز اگر جامعه‌ای در ابتدائیات و اولیات معیشتی خود دچار مشکل باشد، دانش، فرهنگ و هنر آن جامعه به سمت رشد حرکت نخواهد کرد و پویایی‌ها خود را در طول زمان از دست خواهد داد؛ زیرا این موارد زمانی به شکوفایی خواهند رسید که وضعیت جامعه فراتر از دست‌وپنجه نرم کردن با نیازهای اولیه باشد و آن‌قدر توان و دارایی داشته باشد که برای دانش پیشرفته و هنر والا و فرهنگ رشیدیافته هزینه کند و به آن را اهتمام جدی ورزد. پس می‌توان گفت این سطح اولیه از نیازهای جامعه از اهمیت بالایی برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که نمی‌توان جامعه‌ای را برای دست یافتن به اهداف بالاتر، برای مدت زمانی طولانی از این حقوق محروم کرد؛ زیرا حتی اگر حکومت‌ها این کار را با موفقیت ظاهری انجام دهند، نه تنها همراهی جامعه را نخواهند داشت، بلکه تداوم این وضعیت موجب شکاف میان دولت و مردم می‌شود که خود خطری بزرگ‌تر برای موجودیت جامعه است.

از آنجا که «علم» متکفل برآوردن این بخش از نیازهای انسانی است، از دید آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه، باید از دستاوردهای دیگر جوامع و کشورها بهره‌برداری نمود؛ از این رو «یادگیری» از اندوخته دانش بشری نه فقط مجاز است بلکه ضرورت دارد. البته پیمون راه‌های میان‌بر نیز در این قلمرو ممکن بوده و مطلوبیت دارد. (غفاری، ۱۳۹۸: ۱۳۲). «ما راه‌های میانبر پیدا می‌کنیم. ما علم را از دست اروپایی‌ها می‌قاییم. ما از یاد گرفتن ننگمان نمی‌کند. اسلام می‌گوید قوام دنیا به چند گروه است؛ یکی از آنها کسانی هستند که وقتی نمی‌دانند، درصدد یاد گرفتن باشند؛ از یادگرفتن ننگشان نکنند. ما دانش‌هایی را که امروز فرآورده ذهن و مغز و عقل بشر است، یاد می‌گیریم؛ آنچه را که بلد نیستیم، با کمال میل می‌آموزیم و به استادمان هم احترام می‌کنیم. به کسی که به ما علم بیاموزد، بی‌احترامی نمی‌کنیم؛ اما گرفتن علم از دیگری نباید به معنای این باشد که شاگرد باید تا ابد شاگرد بماند؛ نه، امروز شاگردیم، فردا می‌شویم استاد آنها.» (خامنه‌ای: ۱۳۸۳)

جدول ۱. تحلیل مضمون پیشرفت در نیازها و باسنجه‌های مشترک انسانی

مدرک	مفهوم	مقوله
امنیت، شعار و وظیفه‌ی اصلی و اساسی شماسست و برای زندگی مردم و یک جامعه، گاهی از نان شب واجب‌تر و مهمتر است (خامنه‌ای، ۱۳۸۳).	توجه به امنیت	امنیت، سلامت و معیشت از نیازهای اولیه انسانی هستند.

انقلاب ما براساس یک ایمان بود؛ اما معنایش این نیست که انقلاب نباید به زندگی مردم، به اقتصاد، به نان و به رفاه مردم بپردازد. این چه حرفی است؟! (خامنه‌ای، ۱۳۷۸)	توجه به معیشت	تامین نیازهای مشترک انسانی، وظیفه‌ی هر حکومتی است.
چون کمک به فقیر کاری عاطفی است و از غیر رهبران الهی هم ممکن است صادر شود، اما فقرزدایی وظیفه رهبران الهی است» (جوادی آملی، ۱۴۰۰).	توجه به معیشت جامعه وظیفه حکمرانان	
«من لا معاش له، لا معاد له» یک اصل بسیار اساسی است (مطهری، ۱۳۸۹).	تامین معیشت لازمه دینداری	
ما دانش‌هایی را که امروز فرآورده ذهن و مغز و عقل بشر است، یاد می‌گیریم؛ آنچه را که بلد نیستیم، با کمال میل می‌آموزیم (خامنه‌ای، ۱۳۸۳)	علم‌آموزی و رسیدن به سطوح علمی، نیاز اولیه جامعه	

۲. پیشرفت در نقاط تمایز دولت اسلامی نسبت به دیگر دولت‌ها

دولت اسلامی بنابر اصول خود، دارای تمایزاتی با دیگر دولت‌هاست؛ چرا که دولت مدرن بر اساس نفی مرجعیت دین در عرصه فکر و نفی اقتدار دینی در عرصه جامعه بنا شده است. در عین حال، این تمایزات مبنایی نه به معنای تحمیل هزینه بر جامعه، بلکه به معنای در نظر گرفتن استانداردهایی مبتنی بر اصول جامعه اسلامی است. در دوران پیشاصنعتی و پیشامدرن از آنجا که ارتباطات جوامع در سطح ابتدایی قرار داشت و ایده واحدی برای گردآوردن همه فرهنگ‌ها و هنجارها ذیل آیینی یگانه وجود نداشت، این اختلاف‌ها خیلی مشهود نبود. اما در دوره کنونی جوامع تا حد زیادی به یکدیگر شبیه شده‌اند. علاوه بر آن برخی دولت‌ها برای خود مسئولیتی جهانی تعریف کرده‌اند و با رویکردی تهاجمی نسبت به دیگر فرهنگ‌ها عمل می‌کنند. برای مثال، صنعت و صنعتی شدن موجب شده تا جوامع به یکدیگر نزدیک‌تر شده و هنجارهای همانندتری میان خود تعریف کنند. همچنین «صنعت ایجاب می‌کند که توده‌ها از نظر فرهنگی منسجم‌تر و یکدست‌تر باشند» (کرون، ۱۳۹۸: ۳۱۲).

در چنین شرایطی که جهان در ظاهر به سمت یکپارچگی در حرکت است و جریان اصلی به سمت جهانی‌سازی ارزش‌ها، هنجارها و ایده‌های غربی است، دولت اسلامی اصرار دارد تا برای حفظ ماهیت خود به‌طور کامل در این فرایند هضم و ادغام نشود؛ هرچند ناگزیر است ارتباط و تعامل خود را با آن حفظ کند. این به معنای آن نیست که دولت اسلامی با نیازهای امروزی جامعه

انسانی آشنا نیست یا آنکه درصدد انکار آنها باشد. بنا به تعریف، دولت اسلامی تلاش دارد تا برای پرسش‌های روز، پاسخ‌هایی تازه و برآمده از مبانی نظری خویش بیابد. این سطح از توسعه از آن جهت مهم است که مرز میان هضم شدن در جریان اصلی و رویکرد مسلط در ساختار جهانی یا حفظ هویت اسلامی اما منزوی شدن در جهان امروزی را نشان می‌دهد. زیرا وضعیت فعلی جامعه جهانی چنان است که طی قرن‌های متمادی از ظهور اسلام، هیچ مشابه تاریخی برای آن وجود ندارد. به این ترتیب، اگر جامعه اسلامی در این مرحله در رویکرد غالب هضم شود، دیگر نخواهد توانست هویت و هنجارهای خود را بازتولید کند.

برای اینکه عرصه‌های اختلافی در اینجا روشن‌تر شود به چند نمونه می‌پردازیم. اسلام تعریف مشخصی از مقوله ارزش دارد. در اسلام آنچه در سطح فردی و اجتماعی مبنای ارزش است، نسبت افراد جامعه با اخلاق و اصول اخلاقی است. علم‌آموزی و فراگیری حکمت، کمک به دیگران و دست‌گیری از آنها، مسئولیت‌پذیری و تعاون اجتماعی، زندگی دغدغه‌مندانه نسبت به معنویت و رشد جنبه متعالی وجود انسانی و زندگی معادمحور از جمله مؤلفه‌های زیست جامعه اسلامی هستند. اما در رویکرد مدرن آنچه در جوامع صنعتی از اهمیت بنیادین برخوردار است، رشد و پیشرفت مادی است (کرون، ۱۳۹۸: ۳۲۹). در جامعه مدرن صنعتی‌شده انسان‌ها نه از منظر اجتماعی - معنوی بلکه با رویکرد فردی - مادی مورد توجه قرار می‌گیرند و آنچه آنها را ارزش‌گذاری و رتبه‌بندی می‌کند، سهم آنها از فرایند انباشت سرمایه است. در جامعه‌ی صنعتی‌شده با همه‌چیز به مثابه کالا برخورد می‌شود. از این رو، در اقتصاد مبتنی بر سرمایه‌داری همه‌چیز قابل خرید و فروش است. کار، آموزش، شادی، ورزش، هنر و حتی احساسات خوب یا حتی انتخاب دین و مرام معنوی هم از جهاتی به کالاهایی تبدیل می‌شوند که در جامعه عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگانی دارند. به این ترتیب، پیوندهای اعتقادی و اخلاقی بیش از پیش گسسته شده و هر چیزی تنها با سنجه سرمایه، ارزش‌گذاری می‌شود. فارغ از قضاوت ارزشی درباره چنین وضعیتی، دولت اسلامی به‌طور جوهری نمی‌تواند در چنین رویکردی سهم شده یا در آن هضم شود؛ زیرا در آن صورت دیگر دارای ماهیتی اسلامی نخواهد بود و ادامه حیاتش به این عنوان معنادار نیست، بلکه بخشی از نظام جهانی سرمایه‌داری خواهد بود.

بنابراین، تأکید بر آموزه‌ها و ارزش‌های اسلامی در نسبت با آیین و فرهنگ مهاجم، تعیین‌کننده مسیر و کیفیت توسعه کشوری خواهد بود که دغدغه اسلامی بودن یا اسلامی شدن را

دارد؛ زیرا توسعه‌ای که بر مبنای ارزش‌های جامعه اسلامی باشد متفاوت از توسعه‌ای خواهد بود که همه‌چیز در آن همچون کالایی برای مبادله دیده می‌شود. آیت‌الله خامنه‌ای بر ایستادگی روی ارزش‌ها و پرهیز از خودباختگی در این زمینه تأکید دارد و فراموشی یا سرپیچی از این مسیر را عامل ارتجاع به وضعیت بغرنج گذشته پیش از انقلاب اسلامی می‌داند: «اگر نیروی انسانی ما وابسته اندیشید، وابسته حرکت کرد، از وابستگی خوشش آمد، قدر استقلال را ندانست، قدر اسلام و ارزش‌های اسلامی را ندانست، به خودش بی‌اعتماد بود - اگر این جور بود - آن وقت ما وارد یک دالان تاریک طولانی دیگری خواهیم شد، مثل همین دورانی که در زیر سلطه‌ی غرب از اندکی قبل از مشروطه تا قبل از انقلاب قرار داشتیم که با زحمت زیاد و با تلاش زیاد، توانستیم خودمان را به یک نحوی نجات بدهیم؛ باز وارد همان فرآیند تلخ دشوار گذشته خواهیم بود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶).

اما راه ایستادگی بر ارزش‌های متفاوت در مقابل ارزش‌های غیر بومی چیست؟ این امر اولاً نیاز به قدرت و دولت دارد تا بتواند ارزش‌های اسلامی را در سطح سیاسی داخلی و خارجی نمایندگی و پشتیبانی کند و حاکمیت ارزش‌های دینی را در حد مقدور رقم بزند. ثانیاً می‌توان از مسیر گفت‌وگو برای ارائه تصویری صحیح از نظام ارزشی خود به دنیا تلاش نمود. به‌ویژه در مواردی که سوءتفاهم‌ها باعث سنگ‌اندازی در مسیر پیشرفت کشور می‌شوند، نیازمند گفت‌وگو هستیم. به عنوان مثال با این فرض که اهداف سیاسی در کار نیست، برخی نهادهای بین‌المللی نسبت به رویکردهای حقوق بشری ایران انتقاداتی دارند. اما جمهوری اسلامی نمی‌تواند به‌خاطر انتقادات خارج از ساختار فهم و عمل آنها ایده‌ها و استانداردها حقوق بشری خود را کنار بگذارد؛ همچنان که نمی‌تواند ابهامات یا سؤالات آنها را بی‌پاسخ رها کند. در این موارد باید از مسیر گفت‌گو نشان داد که اختلافاتی وجود دارد که به تعاریف و ضوابط متفاوت بازمی‌گردد. باید این تفاوت را به رسمیت شناخت اما علی‌رغم این اختلافات می‌توان برای هدف مشترک و شاخص‌هایی مورد اتفاق حتی در زمینه‌ای مانند حقوق بشر تلاش کرد.

اما در مواردی فرهنگ مهاجم با رویکردی تمامیت‌خواه، به دنبال هضم فرهنگی و سلطه اقتصادی - سیاسی جامعه اسلامی در رویکرد غالب است، منطبق عمل جمهوری اسلامی متفاوت خواهد بود. مثلاً برخی کشورهای غربی به رهبری آمریکا خواهان کاهش توان دفاعی و یا قدرت بازدارندگی کشور هستند و یا خواهان تجدیدنظر در ارزش‌های اسلامی قرار گرفته در مبنای نظریه و طراحی نظام سیاسی جمهوری اسلامی می‌باشند. در این شرایط وظیفه دولت اسلامی ایستادگی

بر اصول ملی و ارزش‌های اسلامی است. البته این ایستادگی هنگامی ثمربخش خواهد بود که این دولت توان برآوردن نیازهای سطح اول جامعه خود را داشته باشد که آنگاه همراهی مردم در دفاع از بنیادهای ارزشی را به دنبال خواهد داشت. در کوتاه‌مدت نظام سیاسی می‌تواند میزانی از تاب‌آوری در برابر فشارهای بیرونی یا داشتن همراهی مردم با وجود مقادیری از فساد و فشل را داشته باشد اما حفظ این وضعیت برای مدتی طولانی - بدون نشان دادن میزان بالایی از کارآمدی و کسب رضایت مردم در مشروعیت استمراری - ممکن نیست.

جدول ۲. تحلیل مضمون پیشرفت در نقاط تمایز دولت اسلامی نسبت به دیگر دولت‌ها

مدرک	مفهوم	مقوله
اگر نیروی انسانی ما وابسته اندیشید، وابسته حرکت کرد، از وابستگی خوشش آمد، قدر استقلال را ندانست، قدر اسلام و ارزش‌های اسلامی را ندانست، به خودش بی‌اعتماد بود ... آن‌وقت ما وارد یک دالان تاریک طولانی دیگری خواهیم شد، مثل همین دورانی که در زیرسلطه‌ی غرب از اندکی قبل از مشروطه تا قبل از انقلاب قرار داشتیم (خامنه‌ای، ۱۳۹۶).	لزوم توجه به استقلال در ابعاد فکری و عملی	مدل پیشرفت برآمده از وجه تمایزات هر جامعه‌ای است. ایران باید به تعریف بومی خود از پیشرفت اتکا کند.
در وهله اول، انسان خیال می‌کند توسعه یافته یعنی آن کشوری که از فناوری و دانش پیشرفته‌ای برخوردار است، توسعه نیافته و درحال توسعه هم به همین نسبت. درحالی‌که قضیه این نیست ... وقتی می‌گویند کشور توسعه یافته، یعنی کشور غربی! با همه‌ی خصوصیاتش؛ فرهنگش، آدابش، رفتارش و جهت‌گیری سیاسی‌اش این توسعه یافته است. درحال توسعه یعنی کشوری که در حال غربی شدن است؛ توسعه نیافته یعنی کشوری که غربی نشده و در حال غربی شدن هم نیست. اینجوری می‌خواهند معنا کنند. درواقع در فرهنگ امروز غربی، تشویق کشورها به توسعه، تشویق کشورها به غربی شدن است! این را باید توجه داشته باشید. (خامنه‌ای، ۱۳۸۸).	توسعه و توسعه یافتگی معنای واحدی ندارد اما غرب تلاش می‌کند نظریه و تجربه خود را محور معنادهی به آن نشان دهد. جامعه اسلامی باید معنا و برداشت خود از توسعه را مبنا قرار دهد.	
کلمه پیشرفت را ما با دقت انتخاب کردیم. تعمداً نخواستیم کلمه «توسعه» را به کار ببریم، علت این است که کلمه توسعه، یک بار ارزشی و معنایی دارد، التزاماتی با	توسعه مفهومی با الزامات خاص خود است. جمهوری اسلامی ایران به	

<p>دنبال الگوی بومی از توسعه، با توجه به الزامات داخلی است.</p> <p>الگوی مطلوب رشد برای جمهوری اسلامی ایران پیشرفت است.</p>	<p>خودش همراه دارد که احياناً ما با آن التزامات همراه نیستیم. ما نمی‌خواهیم یک اصطلاح جاافتاده متعارف را، که معنای خاصی را از آن می‌فهمند، بیاوریم داخل مجموعه کار خودمان بکنیم. ما مفهومی را که مورد نظر خودمان است مطرح و عرضه می‌کنیم. این مفهوم عبارت است از: پیشرفت (خامنه‌ای، ۱۳۸۹).</p>
<p>سایر الگوهای توسعه قابل اتکا نیستند.</p>	<p>الگوهای رایج توسعه، از لحاظ مبانی، غلط و بر پایه اومانیسیم و اصول غیرالهی هستند و از لحاظ آثار و نتایج نیز نتوانسته‌اند وعده‌هایی را که در خصوص ارزش‌هایی نظیر آزادی و عدالت داده بودند، محقق کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۵).</p>

۳. پیشرفت در زمینه امتیازات و ترجیحات دولت اسلامی

از برخی جهات کارکردی، دولت اسلامی همچون دیگر دولت‌ها و در کنار آن‌هاست؛ با این تفاوت که در برخی از زمینه‌های توسعه معیارها و ملاک‌های متفاوتی نسبت به دیگران دارد. نگارندگان معتقدند دو مرحله قبل از این، فرایندی زمان‌بر برای دستیابی به هدفی بالاتر که همان مزیت نسبی دولت اسلامی در مواجهه با سایر حکومت‌هاست، می‌باشند. آموزه‌های اسلامی بر این امر دلالت دارند که برخی از ویژگی‌ها - کیفیت‌ها و مزیت‌ها - در زندگی فردی و اجتماعی هستند که اگر از دین اخذ نشوند و ذیل حکومت دینی تحقق نپذیرند، هیچ نوع مبنای فکری یا حاکمیت سیاسی دیگری نمی‌تواند آنها را برای بشر تامین کند. وقتی که دولت اسلامی توانست خودش را به عنوان دولتی پیشرفته و البته توانمند در سطح سایر دولت‌ها قرار دهد، پس از آن می‌تواند با استفاده از منابع شناختی اسلامی (عقل، وحی، حدیث، سیره و...) و همچنین با استفاده از تجربه‌های بشری و داده‌هایی که دیگران به آن دست پیدا کرده‌اند، به شاخص‌هایی برای توسعه دست پیدا کند که سطح عمومی زندگی بشر را ارتقاء دهد.

تفاوت این سطح با سطح دوم در آن است که در آنجا دولت اسلامی در مقام دفاع از خود و تثبیت موقعیت خود است اما در اینجا دولت اسلامی به دنبال ارائه مدل حکمرانی جوهری و خودبنیاد است؛ به گونه‌ای که ایده‌ها، شاخص‌ها و محاسبات خاص خود را دارد. دولت اسلامی در این مرحله به سطحی از توان شناختی، دانشی، اقتصادی، فناورانه و سیاسی می‌رسد که بتواند یک جامعه اسلامی نمونه را پایه‌گذاری کرده و آن را به عنوان یک الگوی جهانی بشناساند. این مرحله

از توسعه حکومت اسلامی همانی است که آیت‌الله خامنه‌ای از آن با عنوان «تمدن نوین اسلامی» نام می‌برد و تأکید دارد که باید به این نقشه‌راه توجه کرد و مشخص نمود که هدف‌گذاری دولت اسلامی چیست. ایشان در این خصوص می‌گویند: «خود این آرمان‌خواهی باارزش است؛ برای اینکه اگر آرمان‌خواهی وجود نداشته باشد راه را گم می‌کنیم؛ این آرمان‌خواهی موجب می‌شود که ما راه را گم نکنیم و وسط راه، کج و راست و به چپ و راست حرکت نکنیم. این آرمان‌خواهی را داشته باشید؛ این آرمان‌های مهم را: عدالت، استقلال، رفع فساد، در نهایت تمدن اسلامی. آرمان اصلی و واقعی و نهایی، ایجاد تمدن اسلامی است؛ اینها را از دست ندهید و اینها را مطالبه کنید و بخواهید روی آن فکر کنید» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹).

باید توجه داشت که دولت اسلامی در مرحله‌ای که مزیت‌های نسبی خود را معرفی می‌کند، صرفاً محیطی برای افراد دیندار فراهم نمی‌کند. هرچند که بیشترین بهره‌مندی از چنین محیطی را انسان‌هایی با دغدغه‌های الهی خواهند داشت. اما دولت الگوی اسلامی، چنان است که هر انسانی در سراسر جهان که بخواهد یک زندگی سالم، با آرامش و همراه با بستری برای پیشرفت و رشد با نگاهی فراتر از این دنیای مادی داشته باشد و بخواهد در جامعه‌ای عدالت‌محور و به دور از فساد و ظلم زندگی کند، اولین و مناسب‌ترین گزینه‌اش زندگی در این جامعه باشد که توسط دولت اسلامی حکمرانی می‌شود.

آیت‌الله خامنه‌ای در تعریفی دیگر از جامعه مطلوب اسلامی و تمدن اسلامی می‌گویند: «تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲).

به‌طور کلی می‌توان گفت هدف نهایی دولت اسلامی در توسعه یا پیشرفت، دست یافتن به شرایطی است که بستری برای دست یافتن به غایات مطلوب مادی و معنوی برای افراد جامعه فراهم باشد. رسیدن به این هدف‌گذاری مستلزم توجه به نکات زیر است:

- سیر منطقی دست‌یابی به مرحله سوم، اولویت دادن به نتایج ملموس در مراحل اول و دوم است.
- اصرار بر اهداف مرحله سوم، در حالی که مراحل قبل در وضعیت قابل قبولی قرار نداشته باشد، باعث از دست رفتن اعتماد به اهداف نهایی می‌شود.
- از مشخصه‌های مهم مرحله سوم پیشرفت علمی است؛ طوری که توان علمی را باید یکی از اصلی‌ترین مزیت‌های دولت الگو دانست.

- در مرحله اول و دوم توسعه ارزش‌های کمی همچون رشد سرانه درآمد، رشد آموزش و... بیشتر معیار هستند، اما در مرحله سوم معیار به سمت ارزش‌های کیفی حرکت می‌کند. ارزش‌هایی همچون فرهیختگی، حکمت و... .

جدول ۳. تحلیل مضمون پیشرفت در زمینه امتیازات و ترجیحات دولت اسلامی

مدرک	مفهوم	مقوله
این آرمان‌خواهی را داشته باشید؛ این آرمان‌های مهم را: عدالت، استقلال، رفع فساد، در نهایت تمدن اسلامی. آرمان اصلی و واقعی و نهایی، ایجاد تمدن اسلامی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۹).	هدف حکومت اسلامی دست یافتن به آرمان‌های مادی و معنوی به صورت توأم است.	جامعه‌ی الگویی اسلامی سعادت دنیوی و اخروی انسان را تامین می‌کند.
تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد (خامنه‌ای، ۱۳۹۲).	تمدن اسلامی رشد دنیایی و اخروی را توأم داراست.	جامعه‌ی الگو هم در معیارهای مادی و هم در معیارهای معنوی رشدیافته‌ترین جامعه است.
تولید ثروت در اسلام مطلوب است؛ متها با نگاه الهی و معنوی. نگاه الهی و معنوی این است که از این ثروت برای فساد، برای ایجاد سلطه، برای اسراف نباید استفاده کرد؛ از این ثروت بایستی برای سود جامعه بهره برد (خامنه‌ای، ۱۳۸۹).	در جامعه الگویی اسلامی، تولید ثروت در خدمت رشد انسانیت و نفع جامعه است.	
نوآوری نظام ما همین است که می‌خواهیم عدالت را با توسعه و با رشد اقتصادی در کنار هم و با هم داشته باشیم و اینها با هم متنافی نیستند (خامنه‌ای، ۱۳۸۳).	جامعه‌ی مطلوب اسلامی، جامعه-ای رشدیافته و غنی است.	

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران در دهه‌های سوم و چهارم خود به دنبال یافتن الگوی مناسب حکمرانی بوده است. الگویی که بتواند نقشه‌راهی برای گام‌های توسعه بومی کشور ارائه دهد. طی سال‌های اخیر الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت توسط آیت‌الله خامنه‌ای مطرح و از سوی برخی صاحب‌نظران دنبال شده است. اما به دلایل متعددی تاکنون این الگو نتوانسته در مرحله عملیاتی ظاهر شود و به تحقق برسد. نگارندگان این پژوهش با توجه به نیاز کشور به تدوین چنین الگویی، توجه خود را به نکته‌ای فراتر جلب کرده‌اند و آن اینکه سندنویسی به تنهایی نمی‌تواند موانع پیشرفت کشور را

برطرف سازد. بلکه نیازمند چشم‌اندازی هستیم تا مسیر پویایی پیشرفت را برای ما ترسیم کند. این پژوهش به دنبال ارائه چشم‌اندازی از گام‌های بایسته کشور است به‌گونه‌ای که عنصر کلیدی کارآمدی را در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران تأمین کند. اگر مراحل پنج‌گانه اسلامی شدن در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای را مدنظر قرار دهیم، به نظر می‌رسد در حال حاضر کشور در موقعیت «دولت‌سازی اسلامی» قرار دارد که خود مقدمه‌ای برای «تمدن نوین اسلامی» است. در واقع کلید کامیابی در این مرحله دست یافتن به الگوی حکمرانی کارآمد است که اولویت‌های سیاستگذاران را شامل می‌شود و باید با توجه به آن برنامه‌ریزی‌های کلان کشور را پیش ببرند. در طراحی این گام‌ها به آراء آیت‌الله خامنه‌ای مراجعه شده و رویکرد ایشان منطبق با این گام‌ها تشریح شده است.

مرحله اول پیشرفت در نیازهای مشترک انسانی است. اصل این نیازها میان همه انسان‌ها و حتی در همه دوره‌ها مشترک است و آنچه تفاوت دارد نحوه برطرف ساختن آنهاست. نمی‌توان با طرح موضوعاتی همچون اینکه ما به دنبال مظاهر دنیا نیستیم و... به تحقیر این سطح از نیازهای جامعه پرداخت؛ زیرا نتیجه آن عدم همراهی جامعه با حاکمیت و محقق نشدن فرآیند پیشرفت خواهد بود. «علم» متکفل این بخش از نیازهای انسانی است و در این زمینه، باید از دستاوردهای دیگر جوامع و کشورها بهره‌برداری نمود؛ از این رو «یادگیری» از اندوخته دانش بشری نه فقط مجاز است بلکه ضرورت دارد. البته پیمون راه‌های «میان‌بر» نیز در این قلمرو ممکن بوده و مطلوبیت دارد.

مرحله دوم پیشرفت در تمایزات دولت اسلامی با دیگر دولت‌ها و محل عمده اختلافات بین‌المللی ایران اسلامی با سایر کشورهاست. اما راه برطرف کردن این اختلافات کشمکش همیشگی با دیگران نیست؛ زیرا درگیری‌های بیرونی نیروی دولت اسلامی را تقلیل داده و آن را از هدف اصلی خود که رسیدن به گام سوم پیشرفت است باز می‌دارد و یا دستیابی به آن را به تأخیر می‌اندازد. دولت اسلامی در این مرحله ضمن ایستادگی بر ارزش‌های بنیادین خود، باید سعی کند اختلاف‌نظرها در برخی ابعاد حکمرانی را با دیگران طرح و از طریق راهبرد «گفت‌وگو» این گزاره را شفاف کند که این اختلاف نظرها طبیعی و برآمده از شرایط متفاوت هر جامعه‌ای هستند. به این ترتیب، از سویی باید اختلاف مبانی و رویکردها به رسمیت شناخته شود و از سوی دیگر نباید دامنه اختلافات را بیش از آنچه مبانی است، گسترده ساخت. در مواردی که دیگران با رویکردهای غیر صادقانه به دنبال چالش با دولت اسلامی هستند، وظیفه دولت اسلامی مقاومت بر اصول و مراقبت از ارزش‌های خود است؛ یعنی راهبرد «ایستادگی» که نیازمند ابزارهای قدرت در سطح

داخلی و خارجی است. از دست دادن ارزش‌ها در این مرحله و هضم دولت اسلامی در فرهنگ جهانی موجود، توان بازگشت به ارزش‌ها و پویایی جامعه اسلامی را از آن خواهد گرفت.

مرحله سوم پیشرفت در امتیازات و ترجیحات دولت اسلامی است. شرط رسیدن به این مرحله آن است که دولت اسلامی توانسته باشد نیازهای سطح یک جامعه را برطرف کرده و به ثباتی قابل اتکا رسانده باشد، تمایزات خود در سطح بین‌المللی را مورد پذیرش دیگران قرار داده یا بر آن ایستادگی نموده باشد و در نتیجه به سمت ارائه سرمشقی از الگوی حکمرانی در سطح جهانی گام بردارد. در این گام دولت اسلامی نمونه‌ای از حکومتی است که در آن شرایط برای رشد همه‌جانبه انسان‌ها از لحاظ مادی و معنوی وجود داشته باشد؛ طوری که اگر کسی بخواهد نیازهای مادی خود را در فضایی عادلانه، دور از فساد و تبعیض و دارای مزیت‌های نسبی علمی و فرهنگی و اقتصادی برطرف کند، بهترین گزینه برای وی، زندگی در جامعه اسلامی و ذیل دولت اسلامی باشد. نگارندگان بر این باور هستند که این گام‌ها برای دستیابی به هدف ایجاد تمدن نوین اسلامی ضروری هستند و دولت جمهوری اسلامی ایران باید بتواند بر این پایه برنامه‌ای بلندمدتی برای پیشرفت جامعه خود طراحی کند.

جدول ۴. فرایند دست‌یابی به الگوی مطلوب حکمرانی

گام‌ها	شاخصه	نسبت گام با دیگر رویکردهای توسعه	مقولات
گام اول	پیشرفت در نیازهای مشترک انسانی	ایجابی	امنیت، سلامت و معیشت از نیازهای اولیه انسانی هستند. تامین نیازهای مشترک انسانی، وظیفه‌ی هر حکومتی است.
گام دوم	پیشرفت در نقاط تمایز دولت اسلامی نسبت به دیگر دولت‌ها	ایجابی - سلبی	مدل پیشرفت برآمده از وجه تمایزات هر جامعه‌ای است. ایران باید به تعریف بومی خود از پیشرفت اتکا کند.
گام سوم	پیشرفت در زمینه امتیازات و ترجیحات دولت اسلامی	ایجابی	جامعه‌ی الگوی اسلامی سعادت دنیوی و اخروی انسان را تامین می‌کند. جامعه‌ی الگو هم در معیارهای مادی و هم در معیارهای معنوی رشدیافته‌ترین جامعه است.

منابع

- آهني، منا؛ موسی خانی، مرتضی و افشارکاطمی، محمدعلی (۱۳۹۷). آینده پژوهی حکمرانی خوب در ایران با رویکرد سناریو نویسی، علوم مدیریت ایران، ۵۱، ۷۵-۱۰۵.
- اندروز، مت؛ پریچت، لنت و ولکاک، مایلکل (۱۳۹۹). توسعه به مثابه توانمندسازی حکومت؛ شواهد، تحلیل، عمل. ترجمه جعفر خیرخواهان و مسعود درودی. تهران: روزنه.
- ایران‌منش، سعید؛ صالحی، نواله و نظری رباطی، فاطمه (۱۴۰۰). بررسی و تبیین الگوی پیشرفت اقتصادی کوثری در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی با استفاده از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد. *آموزه‌های اقتصاد اسلامی*، ۱(۱)، ۵۹-۸۴.
- بهمن، شعیب (۱۳۹۷). الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای. *نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان*، ۲(۸)، ۳۵-۹.
- پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۷). مبانی دانش اداره دولت و حکومت. تهران: سمت.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۴۰۰). بازیابی شده از <https://www.irna.ir/news/> ۸۴۳۱۷۴۰۴.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۸). بیانات در سالگرد ارتحال امام خمینی. بازیابی از <https://farsi.khamenei.ir/>.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۹). بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی. بازیابی از <https://farsi.khamenei.ir/>.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷). فراخوان رهبر انقلاب برای تکمیل و ارتقای الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت. بازیابی از <https://farsi.khamenei.ir/>.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۶). بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها. بازیابی از <https://farsi.khamenei.ir/>.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۵). دیدار اعضای شورای عالی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. بازیابی از <https://farsi.khamenei.ir/>.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲). بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری. بازیابی از <https://farsi.khamenei.ir/>.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰). دستور تشکیل مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و انتصاب اعضای آن. بازیابی از <https://farsi.khamenei.ir/>.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۹). بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی. بازیابی از <https://farsi.khamenei.ir/>.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۸). بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان. بازیابی از <https://farsi.khamenei.ir/>.

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۳) الف. بیانات در جمع دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی. بازیابی از

<https://farsi.khamenei.ir>

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۳) ب. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت. بازیابی از

<https://farsi.khamenei.ir>

خواجه سروی، غلامرضا؛ رسولی، امیرابراهیم (۱۳۹۸). مقایسه نقش ثبات سیاسی در الگوی توسعه مالزی و ترکیه با الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، تحقیقات سیاسی بین‌المللی. ۳۸، ۷۷-۱۰۰.

چنگ، هاجون (۱۳۹۹). انداختن نردبان؛ استراتژی توسعه در چشم‌اندازی تاریخی، ترجمه زهرا کریمی موغاری، جواد براتی و محمد عبدی سیدکالایی، تهران: جهاد دانشگاهی.

دوله، فاطمه؛ سیفالهی، سیفالله و زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۹۸). مطالعه زمینه‌ها و موانع شکل‌گیری حکمرانی خوب در ایران معاصر، علوم اجتماعی، ۴۵، ۱۲۳-۱۵۴.

روتشتاین، بو (۱۴۰۰). کیفیت حکومت: فساد، اعتماد و نابرابری اجتماعی در چشم‌اندازی بین‌المللی. ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی. تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

رودگر، محمدجواد (۱۳۸۶). نقش اخلاق و معنویت در کارآمدی نظام اسلامی، حکومت اسلامی. ۴۴، ۶۴-۴۰.

زهیری، علیرضا (۱۳۹۴). نسبت‌سنجی بوم‌شناسانه الگوی حکمرانی خوب، علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم، ۶۶،

۸۷-۱۱۲

سیدامامی، کاووس (۱۳۹۰). پژوهش در علوم سیاسی، رویکردهای اثبات‌گرا، تفسیری و انتقادی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق. بازیابی شده در فیدویو.

شیرخانی، علی و میرعباسی، فاطمه (۱۳۹۴). توسعه کوثری و توسعه تکاثری؛ بررسی دو رویکرد توسعه اسلامی و نوسازی قدیم. سپهر سیاست، ۲(۳)، ۲۹ - ۵۷.

طالبکی، اکبر (۱۳۹۹). بررسی و نقد سند الگوی پایه‌ی ایرانی اسلامی پیشرفت (به عنوان سند بالادستی نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران)، مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی. ۱۶، ۳۷۲-۳۹۱.

عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن و شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. اندیشه مدیریت راهبردی، ۵(۲)، ۱۵۱ - ۱۹۸.

عجم‌اغلو، دارون و رایبسون، جیمز (۱۳۹۸). چرا ملت‌ها شکست می‌خورند؟ ترجمه محسن میردامادی و محمدحسین نعیمی‌پور. تهران: روزنه.

عجم‌اغلو، دارون و رایبسون، جیمز (۱۳۹۹). راه باریک آزادی. ترجمه سیدعلیرضا بهشتی شیرازی و جعفر خیرخواهان. تهران: روزنه.

غفاری، مصطفی (۱۳۹۸). از نیمه خرداد؛ طرحی از اندیشه و رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای. تهران: انقلاب اسلامی.

قاضی میرسعید، سیدعلیرضا و تاج‌آبادی، حسین (۱۳۹۵)، مفهوم توسعه و پیشرفت در اندیشه مقام معظم رهبری مدظله، *مادیریت اسلامی*، ۳، ۱۴۷-۱۶۹.

کرون، پاتریشیا (۱۳۹۸). جامعه‌های ماقبل صنعتی؛ کالبدشکافی جهان پیشامدرن. ترجمه مسعود جعفری. تهران: نشر ماهی.

گریس، جیجی؛ گلداسمیت، استفان و گلین برگ، تیم دیگران (۱۳۹۵). قدرت نوآوری اجتماعی. ترجمه حسین افتخاری و علی اصغر سعیدآبادی. تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). اسلام و نیازهای زمان، ج ۲. تهران: صدرا.

هینز، جفری (۱۳۹۰). مطالعات توسعه. ترجمه رضا شیرزادی و جواد قبادی. تهران: نشر آگه.

Chang, Ha-joon (2009). *Bad Samaritans: The Myth of Free Trade and the Secret History of Capitalism*. Bloomsbury Press: NY.

یادداشت‌ها

□. در مقابل نسخه‌پردازی غربی برای توسعه، دغدغه الگوی بومی پیشرفت در میان متفکران دینی و ایرانی معاصر، منحصر به آیت‌الله خامنه‌ای نبوده است. برای نمونه آیت‌الله جوادی آملی الگوی توسعه کوثری را در نقطه مقابل الگوی توسعه تکثری غرب، صورت‌بندی و ارائه نموده است که در آن به‌جای انباشت سرمایه، گردش سرمایه مطلوبیت دارد. برای آشنایی بیشتر نگ به:

شیرخانی، علی و میرعباسی، فاطمه (۱۳۹۴). توسعه کوثری و توسعه تکثری؛ بررسی دو رویکرد توسعه اسلامی و نوسازی قدیم. سپهر سیاست، ۲(۳)، ۲۹ - ۵۷. و ایران‌منش، سعید و دیگران (۱۴۰۰). بررسی و تبیین الگوی پیشرفت اقتصادی کوثری در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی با استفاده از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد. آموزه‌های اقتصاد اسلامی، ۱(۱)، ۵۹ - ۸۴.

□□. همچنین نگ به: سخنان آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با دانشگاهیان سمنان - ۱۸ آبان ۱۳۸۵ / دانشگاهیان مشهد - ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۶ / دانشگاهیان شیراز - ۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۷ و دانشگاهیان کردستان - ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۸.

□□□. آیت‌الله خامنه‌ای در سخنانی پربسامد، پنج مرحله برای اسلامی شدن در دوران معاصر را چنین تفسیر نموده است: انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی. (برای نمونه نگ به سخنان ایشان در ۲۴ مهر ۱۳۹۰ و ۶ آبان ۱۳۸۳)